

# جایگاه فضاهای عمومی در شهرسازی معاصر با تاکید بر شهرهای ایران

نورالدین عظیمی<sup>۱</sup>، آیناز شیرازی زاده<sup>۲</sup>، مسعود رحیمیان<sup>۳</sup>

۱- دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، عضو هیات علمی دانشگاه گیلان، nazimi86@yahoo.com

۲- مهندس شهرسازی: arianaz\_66@yahoo.com

۳- مهندس شهرسازی: m\_rahimian001@yahoo.com

## چکیده

فضاهای عمومی شهر از گذشته، محل ارتباطات و تعاملات اجتماعی - فرهنگی شهروندان بوده‌اند. هرچند که اهمیت این فضاها در جوامع مختلف متفاوت بوده و در طول زمان تغییراتی داشته، همواره نیاز به چنین فضاهایی احساس می‌شده است. امروزه، علی‌رغم رواج پدیده‌های نوین ارتباطی چون مطبوعات، رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت، نقش فضاهای عمومی برای ارتباطات اجتماعی شهروندان همچنان از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف این مقاله بررسی جایگاه فضاهای عمومی و نقش آنها در رفع نیازهای اجتماعی - فرهنگی شهروندان با تأکید بر فضاهای عمومی در شهرسازی معاصر ایران می‌باشد. روش تحقیق در این بررسی توصیفی - تحلیلی بوده و منابع مورد استفاده عمدتاً کتابخانه‌ای و مبتنی بر تجربیات و مشاهدات مؤلفین در شهرهای مختلف کشور می‌باشد. در این مقاله از میان عناصر مهم فضای عمومی شهری، شش عنصر میدان، پارک شهری، بازار، پیاده راه، مراکز محلات و مراکز مذهبی در شهرهای دوره معاصر در کشور ما مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتها راه‌کارهایی برای تقویت فضاهای عمومی ارائه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** فضاهای عمومی شهری، محله، عناصر شهری، شهرسازی معاصر.

## ۱. مقدمه

محیط‌های شهری علاوه بر اسکان متمرکز جمعیت و فعالیتهای اقتصادی، شکل دهنده روابط اجتماعی و فرهنگی بشر نیز می‌باشند، به همین خاطر شهر علاوه بر فضاهای سکونتی و کار، نیازمند مکان‌هایی جهت رفع نیازهای اجتماعی و فرهنگی نیز هستند. کالبد فیزیکی شهر نیز بر این اساس بایستی متناسب با این نیازها بوده تا امکان یک زندگی اجتماعی مطلوب فراهم آید.

نیاز انسان به روابط اجتماعی او را نیازمند فضاهایی برای تبادل افکار و اندیشه‌ها نموده است و فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی هستند که به ایجاد روابط اجتماعی منجر می‌شود [۱۴]. بنابراین، کمیت و کیفیت بناها و فضاهای عمومی شهر که گاه از آنها با عنوان ساختمان‌های مدنی یا شهری یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی توانایی شهر در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی شهروندان به شمار می‌رود [۱]. از دیدگاه نوربرگ شولتز، معمار اندیشمند نروژی، بناها و فضاهای عمومی، به عنوان یک دیدارکده عمومی، به تجلی ارزش‌های مشترک شهروندان می‌پردازند و مکانی برای وقوع فعالیت‌های مورد رضایت عموم فراهم می‌کنند. او معتقد است بناهای عمومی مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها را در خود می‌گنجانند و بایستی توافق میان شهروندان را که بیان‌گر ارزش‌ها و منافع مشترک آنها هستند، توسط فضاهای عمومی تثبیت کرد.

علاوه بر نیازهای فردی، انسان در زندگی خود نیازمند فضایی است که در آن خود را با دیگران ببیند و اجتماعی بودن خویش را به نمایش بگذارد و از آن بهره‌برد. بر این اساس است که انسان‌های یک‌جانشین و سازمان‌یافته در طول تاریخ، همواره به فضایی همگانی نیاز داشته‌اند تا در آن خواسته‌های اجتماعی خود را عنوان کنند و اندیشه‌ها، هنرها و فرهنگ خود را در جمع

بیزمایند و به داد و ستد فرآورده‌های خود و دیگران بپردازند. از این رو می‌توان گفت سنت گردهم‌آیی در مجتمع‌های زیستی، به تاریخ و شکل‌گیری نخستین مجتمع‌های زیستی انسانی باز می‌گردد و از گذشته‌های دور تا به امروز، در شهرها همواره فضاهایی برای اجتماع مردم و گفتگو در زمینه مسائل شهر وجود داشته است. شاید زیارتگاهها و معابد جزو اولین فضاهایی عمومی باشند که جهت برگزاری آئین‌ها و تشریفات مذهبی و آموزش عمومی ساخته شدند و آگورا احتمالاً از ۳. نخستین فضاهای شهری دموکراتیک بود که شهروندان برای ارتباطات اجتماعی و تبادل آراء و اندیشه‌ها در دولت شهرهای یونانی به وجود آوردند [۲]. با توسعه شهرها و گسترده تر شدن نیازهای شهروندان، احساس نیاز به فضاهای عمومی نیز بیشتر گردید.

## ۲. پیشینه بحث

به دنبال وقوع انقلاب صنعتی و به ویژه از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی، در فضای عمومی بسیاری از شهرهای بزرگ اروپایی تغییرات عمده ای ایجاد شد. نواحی متمایز تجاری توسعه پیدا کردند، مرکزیت بازارها و میدانی برای حضور و تجمع شهروندان، به خیابان‌ها و بلوارها انتقال پیدا کرد. احداث فروشگاه‌های بزرگ، ایستگاه‌های راه آهن، سالن‌های نمایشگاهی، کارخانه‌های بزرگ و... تحولات فضایی و مکانی شهرها را تشدید کردند. سامان‌دهی اماکن عمومی همچون منظره‌ای تماشایی، امکانی جدید برای نحوه‌ی گذران زمان فراغت و تفریح مردم - به شکل پرسه زدن در بلوارها و خیابان‌ها- پدید آورد. اما پرسه زدن در فضاهای جدید در شهرها، تنها بخشی از پدیده‌های اجتماعی نوظهور در اروپای نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به بعد بود. اعضای طبقات نوین و نوظهور اجتماعی توانستند ضمن شرکت موثر در حیات اجتماعی، معاشرت و مراودت خصوصی خود را در انظار عمومی به نمایش بگذارند و صور اختصاصی معاشرت را به صورت عمومی تبدیل کنند [۳]. لیکن خیابان‌ها و بلوارهای نوساز کارکردهای جدیدی نیز یافتند، آنها به مکانی برای قرار ملاقات‌های خیابانی تبدیل شدند و گروه‌ها و دسته‌های مختلف سیاسی برای ابراز وجود پا به خیابان‌ها گذاشتند و سنگرهای مبارزه را در خیابان‌ها احداث کردند. دولت‌ها نیز برای به نمایش گذاشتن قدرت نظامی خود، از خیابان‌ها برای رژه‌ی نظامی استفاده کردند. به موازات گسترش انقلاب صنعتی و فرهنگ مدرنیسم در اروپا و آمریکا، در سایر کشورهای جهان از جمله برخی کشورهای آسیایی و جهان سوم نیز تحولاتی به تقلید و اخذ شده از این کشورها، اتفاق افتاد.

اگر چه الگوی استفاده از فضاهای عمومی در شهرهای مختلف در طول تاریخ متفاوت بوده است، اما علی‌رغم این تفاوتها، فضای عمومی به عنوان محل ملاقات و قرار، بازار و محل عبور و مرور عمل نموده است. شهر همواره محل ملاقات و دید و بازدید، تبادل اطلاعات درباره شهر و جامعه و محلی است که در آن وقایع مهمی نظیر تاج‌گذاری، مراسم، فستیوال‌ها و گردهمایی‌ها روی داده است. شهر محل داد و ستد، عبور و مرور و انتقال کالا از محلی به محل دیگر است. در گذشته که بسیاری از رفت و آمدها به صورت پیاده صورت می‌گرفت، اغلب توازن زیادی بین کاربری‌های اصلی شهر وجود داشت و عابران می‌توانستند برای ملاقات، تجارت، گفتگو به هر جایی که نیاز داشتند، بروند و در همان فاصله از مناظر شهر استفاده کنند. بدین ترتیب کارکردهای شهری هم‌زمان در همان فضای شهری صورت می‌گرفت. در قرن بیستم به ویژه در کشورهای صنعتی شرایط برای کارکردهای اصلی فضاهای عمومی شهر تغییر یافت. الگوهای جدید عبور و مرور، تجارت و ارتباطات به گونه‌ای درآمد که چگونگی استفاده از شهر را تغییر داد. اختراع دوچرخه و قطارهای برقی در اواخر قرن نوزدهم، دامنه وسیعی به حمل و نقل بخشید و زمانی که در آغاز قرن بیستم اولین اتومبیل‌ها ساخته شدند، الگوی حمل و نقل تغییرات اساسی یافت. به لحاظ سنتی موازنه خوبی میان توابع شهری به عنوان محل ملاقات، خرید و عبور و مرور وجود داشت که این الگو هنوز هم در چندین شهر حفاظت شده، نظیر "ونیز" ادامه دارد [۵].

### ۳. فضاهای عمومی شهر در دوره جدید

شروع انقلاب صنعتی یکی از مهم‌ترین اتفاقات تاریخی در دوره قاجار وقوع انقلاب صنعتی در اروپا است. انقلابی که تأثیر فراوانی بر شکل فضاهای شهری اروپا گذاشت. مهمترین عامل این دگرگونی، ورود اتومبیل به فضاهای شهری بود. ناپودی فضاهای شهری اروپا، روند پیوسته‌ای را طی نمود و برای زاده اصلی تکنولوژی جدید، «اتومبیل» همواره، خیابان‌های تازه، احداث شد و بسیاری از فضاهای شهری و میدان‌ها به جولان‌گاه اتومبیل تبدیل شدند. اتومبیل، فضا را برای حضور مردم تنگ و حرکت پیاده را نا امن و بعضاً ناممکن نمود. در بسیاری از شهرها، احداث معابر جدید به ستون فقرات شهرها (بازار) و فضاهای اصلی مرتبط با آن صدماتی جدی وارد آورد. کم‌رنگ شدن اهمیت فضاهای عمومی شهری علاوه بر میدان‌های اصلی شهرها، میادین محلی را نیز تدریجاً از محتوای عمیق خود خالی نمود. شهر به عنوان محل تجارت در قرن بیستم تغییرات زیادی به خود دید، تجارت در فضای آزاد به تدریج به سمت مغازه‌های کوچک کنار خیابان‌ها و میادین حرکت کرد و از این رو مغازه‌های بزرگتر، سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ و دور از مرکز شهر توسعه یافتند. بدین ترتیب بازار از حوزه فعالیت‌های عمومی جدا شده و وارد حوزه خصوصی گردیده است. تجارت و تردد در قرن بیستم کاملاً تغییر یافت، خرید و فروش در داخل مغازه‌ها انجام می‌گرفت چراکه اتومبیل‌ها وارد خیابان شدند.

قرن بیستم شرایط کارکرد شهر به عنوان محل ملاقات و تبادل اطلاعات را نیز تغییر داد. توسعه سریع و وسیع رسانه‌های خبری، الکترونیک و چاپ، همراهی مردم با جریان بی‌پایان اطلاعات را در مورد جامعه و دنیا امکان پذیر ساخت. بدین ترتیب همراه با این جریان، امکان ارتباط غیر مستقیم اشخاص با یکدیگر پدیدار گشت. نخست، تلگراف، سپس تلفن، تلفن همراه و سرانجام ایمیل و اینترنت ظهور یافتند. تردد افراد از طریق اتومبیل و دیگر اشکال حمل و نقل و نیز توسعه فرم‌های مختلف سفرهای طولانی، فرصت‌های جدیدی برای ملاقات و تعامل فراهم آورد و بدین ترتیب نقش شهر به عنوان مکان بارز ملاقات و تعامل برای شهروندان کاملاً تغییر یافت. در سالهای اخیر مسئولین خیلی از شهرهای اروپایی و آمریکایی در صدد جذب مردم به مرکز شهر برای تفریح، خرید، فعالیت و سکونت هستند [۱۵]. اکنون این تغییرات عظیم در اجتماع تنها در یک قرن، زندگی عمومی را در مراکز بسیاری از شهرها تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از مردم، بودن در خیابان‌ها و میادین را برای پیاده روی و گذران وقت در فضاهای عمومی انتخاب کرده‌اند.

### ۴. شهرسازی معاصر ایران و فضاهای عمومی شهری

طی یک‌صد سالی که از آشنایی ایرانیان با مدرنیسم و تحولات ناشی از آن می‌گذرد، بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک ایران دگرگونی‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. به گونه‌ای که می‌توان مشابه بعضی از تحولات فضایی و اجتماعی رخ داده در شهرهای اروپایی (از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به بعد) را در شهرهای ایران نیز مشاهده کرد ولی این تحولات فضایی و رخدادها و پدیده‌های اجتماعی را باید در چارچوب و محدوده‌ی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همین شهرها تحلیل کرد [۴].

در گذشته فضاهای عمومی شهری در ایران، محل فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند، ضعف مدیریت شهری و نبود برنامه‌های مدون در دوره معاصر در ارتباط با فضاهای عمومی شهری کیفیت اکثر این فضاها را تنزل داده است. هر چند که زندگی شهری امروز به سبب گسترش دامنه فعالیت‌های عمومی نیاز به فضاهای عمومی را برای شهروندان افزوده است، لیکن سرعت شهرنشینی به ویژه در نیم قرن گذشته، اختصاص فضاهای شهری برای حضور گسترده اتومبیل، بروز مشکلاتی چون کمبود مسکن، خدمات و زیر ساخت‌های شهری برای ساکنین سبب شده تا توجه به نیازهای اجتماعی-فرهنگی و فضاهای عمومی شهری کمتر مورد توجه قرار گیرد. در پیدایش چنین وضعیتی، به سیستم مدیریت شهری نیز باید اشاره کرد که در فقدان مشارکت مردم در اداره شهر و بر اساس اجرای تصمیمات متمرکز و فرادست و بر حسب منافع گروه‌های ذی‌نفع، عملاً

نقش شهروندان در تصمیم گیری برای اداره شهر و ساخت شهرها بر اساس نیازهای واقعی نادیده گرفته شد و به همین خاطر فضاهای عمومی شهری که عموماً در جوامع دموکراتیک و شهروند مدار مشاهده می‌شود، مورد غفلت قرار گرفت.

در شهرسازی سنتی ایران، فضای عمومی شهری همانند میدانچه‌ها و بازارهای سنتی در افزایش تعاملات اجتماعی و فرهنگی ساکنان شهر نقش مؤثری ایفا می‌کردند، ولی در دوره جدید شهرسازی با رشد سریع و از هم گسیخته شهرها به خصوص در دهه‌های اخیر، کارکرد این فضاهای عمومی نقش خود را به مقدار زیادی از دست داده‌اند. اغلب این فضاها به دلیل ازدحام بیش از اندازه اتومبیل، نقش کارکردهای اجتماعی و فرهنگی خود را از دست داده‌اند. بخش مهمی از این وضعیت به دلیل بی توجهی و ضعف مدیریت شهری دوره جدید بر می‌گردد که در نهایت منجر به تضعیف هویت فضاهای عمومی شهری در شهرسازی معاصر شده است. در ادامه این مقاله به بررسی وضعیت فضاهای عمومی مهم شهری در کشور در وضعیت کنونی پرداخته می‌شود و دلایل حاکم بر شرایط کنونی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این مقاله از میان فضاهای عمومی شهری مهم، شش مورد آن شامل میدانها، پارک‌های عمومی، بازارها، پیاده‌روها، مراکز محلات، و مراکز مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۵. میدان‌های شهری

میدان بر حسب ضرورت‌های مکانی و زمانی نقش و عملکردهای مختلفی به خود گرفته است. گاهی به صورت مکانی برای عرضه کالا بوده و زمانی فضایی حکومتی و دیوانی و یا مذهبی داشته است [۳]. با توجه به سیستم‌های حکومتی در شهرسازی سنتی ما، ساخت میدان‌های مهم در شهرهای ما بیشتر از نوع حکومتی بود و هدف اصلی از احداث آن عمدتاً برگزاری مراسم و برنامه‌های حکومتی بود. با توجه به فعالیت‌های اقتصادی که در اطراف این فضاها اتفاق می‌افتاد، این فضاها علاوه بر حفظ عملکرد اولیه خود، به عنوان فضاهای اجتماعی برای شهروندان نیز تبدیل گردید. با نگاهی به گذشته شهرهای ما می‌توان دریافت که میدان علاوه بر نقش اتصال شبکه‌های ارتباطی، فضایی مناسب برای تجمع مردم و دیدارهای عمومی بوده است. همان گونه که در وضعیت کنونی میدان نقش جهان در اصفهان به عنوان یک میدان تاریخی فرهنگی با کارکرد عمومی خود این نقش را حفظ کرده است و محلی برای جمع شدن مردم برای دلایل گوناگون می‌باشد. از این نوع فضاهای عمومی در شهرسازی سنتی ما می‌توان بیشتر به میدانچه‌ها اشاره کرد که در سطح محلات مسکونی به تعداد زیاد یافت می‌شد و نقش قابل توجهی را برای تعاملات اجتماعی ایفا می‌کرد. بقایای این فضاهای عمومی هنوز در بافت تاریخی خیلی از شهرهای قدیمی همانند اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز و ... قابل مشاهده است.

اگر چه در دوره معاصر بسیاری از عملکردهای کلاسیک میدان شهری به بناها منتقل شده است و به علت وضعیت و موقعیت فعلی، نمی‌توان عملکردهای متنوع و گوناگون از آن انتظار داشت، ولی کارکرد اجتماعی این فضاهای همچنان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این نوع از کارکرد اجتماعی شهرها را امروزه می‌توان در خیلی از شهرهای اروپایی به وضوح مشاهده نمود، مانند میدان نووانا در شهر رم، میدان دل کمپو در شهر سینیای ایتالیا، میدان ترافالگار در شهر بیرمنگام انگلستان.

در شهرسازی جدید در کشور ما با تغییراتی که در ساختار شهری اتفاق افتاده هر دو تیپ یعنی میدان‌های مهم شهری و میدانچه‌ها به عنوان فضاهای عمومی برای اجتماع مردم و تعاملات اجتماعی و فرهنگی مورد غفلت قرار گرفته است. به طوری که می‌توان گفت: در شهرهای امروزی ما فضای عمومی شهری، میدان جز در موارد معدودی، مفهوم اصلی خود را به طور قابل توجهی از دست داده است. آنچه اکنون به عنوان میدان از آن یاد می‌شود در اغلب موارد، فلکه‌هایی است که عمدتاً کارکرد ترافیکی دارد [۶]، [۸]. از نمونه این میدان‌ها می‌توان به هفت تیر، فلکه صادقیه یا میدان ونک در تهران و فلکه‌های مختلف در شهرهای دیگر کشور اشاره کرد که فاقد شکل حس محصور بودن در فضا را دارند و تنها به محلی برای عبور مرور تبدیل شده‌اند. به دلیل حضور بیش از حد اتومبیل و مقیاس‌های ماشینی حاکم بر شبکه‌های ارتباطی شهر، این فضاهای شهری صرفاً به محلی برای عبور اتومبیل تبدیل شده‌اند و لذا امکان یا شرایطی برای مکث و ایجاد ارتباط فرهنگی یا اجتماعی در آنها به آن صورت وجود ندارند.

از نمونه میدان‌های شهری ما که کارکرد اجتماعی خود را به مقدار زیادی از دست داده به میدان توپخانه تهران می‌توان اشاره کرد که در گذشته (دوران قاجار) چنین کارکردی داشته است. اما افزایش نابسامانی‌ها، اکنون این فضا را به شدت آشفته کرده به گونه‌ای که توقف چند دقیقه‌ای در آن بدون معنی شده است. هر چند که سلطه خودرو بر فضاهای شهری عاملی مؤثر در کاهش کارکرد اجتماعی این فضاها به شمار می‌رود، با این وجود امکان حفظ هویت فرهنگی این فضاهای عمومی همانند خیلی از میدان‌های برخی دیگر از کشورها وجود داشت [۶].

یکی از دلایل اصلی بی‌هویتی میدان‌ها را می‌توان در بی‌توجهی و عدم درک درست مدیریت شهری از این فضای عمومی جست، زمانی که همه چیز فدای اتومبیل می‌شود و عابر اهمیتی ندارد [۱۰]، از بین رفتن ارزش میدان‌ها امر عجیبی نخواهد بود. برای مثال میدان آزادی به عنوان عنصر هویت بخش شهری تهران و حتی ایران می‌توان اشاره کرد که در دوره جدید توسط مشاوران خارجی در تهران بنا گردید، اما این میدان از لحاظ کالبدی به طور کامل خود را از جداره اطراف جدا کرده و حسی از ناامنی را برای شهروندانی که می‌خواهند به میدان دسترسی داشته باشند را القا می‌نماید و در اکثر مواقع از سال کارکرد فلکه بودن آن بیشتر به چشم می‌خورد.

اخیراً برخی تلاشها در برگرداندن هویت به میادین شهری در کشور صورت می‌گیرد که می‌تواند به عنوان شروع حرکتی در خصوص زنده کردن این فضای عمومی شهری محسوب شود. از آن جمله به می‌توان به تلاشهای صورت گرفته برای بازگشت هویت از دست رفته در مورد میدان تاریخی حسن‌آباد تهران اشاره کرد که طی ده ساله گذشته انجام گرفته است. در این خصوص به اهمیتی که مردم به فضاهای عمومی شهر می‌دهند نیز باید اشاره کرد. به عنوان مثال اگر اصفهان سامان‌یافته‌ترین شهر ایران حساب می‌شود، به دلیل اهمیتی است که مردم این شهر به فضای عمومی، بناها و رودخانه‌ها می‌دهند. در حالی که تهران به عنوان پایتخت چند ساله کشور، در نتیجه سیاست‌های متعدد و گاه متقابل شهری، بیش از دیگر شهرها هویت خود را از دست داده است و تغییر کارکرد میدان‌ها در این میان از محسوس‌ترین این تغییرات است [۷]. تغییر کارکرد فرهنگی و اجتماعی میدان در کلان‌شهرها در حالی از دید برنامه‌ریزان شهری پنهان مانده است که میدان‌ها می‌توانند فضایی بسیار مطلوب برای گذران فضاهای فراغتی در شهر باشند.

## ۶. پارک شهری

امروزه پارک‌ها عناصری زائد و تزئیناتی نیستند، بلکه جزو لاینفک فضاهای عمومی شهری محسوب می‌گردند و به عنوان عمده‌ترین فضای سبز شهری نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی و مراودات فرهنگی شهرنشینان دارند. طبیعت پارک‌های عمومی به گونه‌ای است که تمام طبقات مردم می‌توانند از آن استفاده کنند. به عبارت دیگر این پارک‌ها به عنوان گردشگاه و محل استراحت عموم مردم می‌باشد. علاوه بر نکات فوق، یکی دیگر از خصوصیات مهم و مفید پارک‌های عمومی تأثیری است که در آب و هوای شهرها می‌گذارد و خود به حفظ بهداشت محیط و سلامتی افراد کمک می‌نماید. در پارک‌های عمومی باید سعی شود که تمام وسائل سرگرمی و رفاهی تقریباً برای همه گونه سلیقه، فکر و سن وجود داشته باشد.

در بین فضاهای عمومی شهری کشتو ما، پارک‌های شهری از معدود فضاهای عمومی شهری هستند که دارای موقعیت نسبتاً مناسب به عنوان فضای اجتماعی شهری هستند. برخی تغییرات دیدگاهی مثبت نسبت به این مکانها از یک فضای حصار شده به یک فضای بدون حصار و در دسترس آسان شهروندان از حدود دو دهه قبل، بر عمومی بودن بیشتر این فضای شهری افزود. با این وجود به سه نکته در ارتباط با این نوع از فضاهای عمومی شهری می‌توان اشاره نمود، اول اینکه وسعت و تعداد این نوع از فضاهای عمومی در سطح کلی شهرها و به خصوص در بخش‌های مرکزی شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ نسبت به تراکم

بالای جمعیت روزانه آن اندک است و لذا امکان حضور برای جمعیت بیشتری از مردم شهر فراهم نمی باشد. نکته دیگر اینکه این فضاهای عمومی حتی در محدودیت کنونی خود از توزیع متعادلی در سطح شهرها به ویژه در سطح محلات مسکونی برخوردار نمی باشند و به همین خاطر بسیاری از خانواده‌ها جهت استفاده از این فضاهای عمومی در خیلی از موارد ناچار از طی مسافت بیشتری در شهر هستند و همین مسئله سبب علاقه کمتر برای مراجعه به چنین مکانهایی می شود. نکته سوم اینکه امکانات خدماتی برای برخی سرگرمی‌های گروهی مختلف مانند زمین‌های مختلف برای بازیهای گروهی اندک است.

## ۷. بازار و مراکز عمومی ( نظیر پاساژها و مراکز خرید طبقاتی چند منظوره )

با افزایش تراکم در کلان شهرها و کمبود فضاهای باز، راسته بازارهای سنتی جای خود را به مراکز خرید طبقاتی و پاساژها داده‌اند، مکان‌هایی سر بسته که در آنها علاوه بر خرید و فروش و روابط اقتصادی، روابط اجتماعی نیز رواج دارد. وجود مکان‌هایی برای تفریح و گذران اوقات فراغت و بازی کودکان، رستوران‌ها و مراکز پذیرایی، مراکز فرهنگی و ... همگی سعی بر این دارند تا فعالیت‌های اجتماعی مردم را به داخل این ساختمان‌های چند منظوره بکشانند.

از جمله فضاهای عمومی که همچنان نقش پررنگ خود را در شهرهای ایرانی از گذشته تا کنون ایفا می کنند بازارها و مراکز خرید و فروش کالا می باشند. بازارهای سنتی ایران نیز با اندکی مرمت و نگاهداری بهتر می توانند همچنان تا چندین دهه دیگر نیز به عنوان مکانهای عمومی مطلوب مردمان این دیار عمل کنند. این بازارها با داشتن هویت و ارزش در ذهن شهروندان می توانند رافع نیازهای امروزی شهروندان بوده و فضای عمومی مطلوبی را بوجود آورند.

## ۸. پیاده‌روها

آنچه نقش پیاده راهها و پیاده روهای خیابان‌های شهری را به عنوان یک فضای عمومی و فضای شهری باز پررنگ تر می کند. کارکرد اجتماعی دیدن و دیده شدن، به عنوان بخش مکمل زندگی شهری می باشد. پیاده‌راهها، محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی‌شان می باشد. این فضاها در مقیاس همه شهر عمل کرده و پذیرای گروه‌های مختلفی از شهروندان می باشد. پیاده‌راهها علاوه بر نقش ارتباطی و دسترسی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش و تماشا و ... فراهم می آورد. در پیاده‌راهها، آزادی عمل انسان پیاده برای توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران بسیار زیاد است. از این رو شهروندان به تدریج به حضور در شهر و انجام فعالیت‌های مدنی عادت کرده و زمان بیشتری را در فضاهای شهری می گذرانند و این به نوبه خود به بهبود و ارتقاء فرهنگ و عادات شهرنشینی؛ از جمله رعایت حقوق دیگران و احساس مسئولیت در برابر جامعه کمک می کند که به خصوص برای جوانان و کودکان می تواند نمونه زنده آموزشی محسوب شود.

پیاده راه به عنوان یکی از فضاهای عمومی شهری هنوز در کشور ما جایگاه چندانی ندارد. هر چند به منظور کاستن ترافیک بخش مرکزی شهرها، در تعدادی از شهرهای کشور ایده شروع تبدیل برخی از خیابانهای مرکز شهر به پیاده راه مطرح شده و نمونه‌هایی نیز به اجرا در آمده (مانند خیابان تربیت در شهر تبریز)، این امکان وجود دارد که این نوع از فضاهای شهری به ویژه در قسمت مرکزی ایجاد شود. قابل ذکر است که گذرهای داخلی بازارهای سرپوشیده سنتی را می توان به نوعی پیاده راه محسوب نمود، ولی تفاوت اساسی این گذرها با پیاده راهها این است که آنها صرفاً به منظور گذر مورد استفاده قرار می گیرد و هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی در حاشیه این گذرها ب مانند پیاده راههای مرسوم در شهرهای غربی یافت نمی شود.

## ۹. مرکز محله

مراکز محلات مکان‌هایی عمومی هستند که افراد اجتماع در آنها به فعالیت‌های گوناگونی می‌پردازند. این مراکز معمولاً در فضاهایی چند منظوره ساخته شده و بخش‌های گوناگونی را شامل هستند. این فضاها از امکانات مناسبی در اختیار همه اقشار مردم با نیازها و تقاضاهای مختلف می‌گذارند. فعالیت‌های فرهنگی، کلاس‌های آموزشی، برنامه‌های تفریحی و اوقات فراغت و ... از جمله فعالیت‌هایی هستند که در این مراکز برای استفاده مردم ارائه می‌شود. در این مکان‌ها بیشترین ارتباط و تعامل میان افراد جامعه رخ می‌دهد.

شهرهای ما در سالهای اخیر از طریق ساخت فرهنگ سراها در تهران و تعدادی از شهرهای بزرگ، نوعی از این مراکز اجتماعی را تأسیس نموده‌اند که سبب ارتباطات اجتماعی بویژه برای جوانان می‌شود. فقدان این نوع از فضاهای شهری در بسیاری از شهرها به خصوص شهرهای کوچک این امکان ارتباط اجتماعی را گرفته و جایگزین خاصی هم برای آنها ارائه نمی‌شود. توسعه فرهنگ سراها و ارائه برنامه‌های اجتماعی و سرگرمی می‌تواند زمینه ارتباطات اجتماعی بیشتر را برای شهروندان به خصوص جوانان فراهم آورد.

## ۱۰. مراکز مذهبی

مراکز مذهبی در شهرها فضاهایی هستند که مردم در آنها حضور مستمر داشته و به عنوان نشانه‌های شهری شناخته می‌شوند. این فضاها می‌توانند محلی برای ایجاد تعاملات اجتماعی در میان افراد بوده و به عنوان یک مکان اجتماعی در سطح محلی ایفای نقش نمایند. این دسته از فضاهای عمومی می‌توانند یک کانون اجتماعی بسیار مطلوب و مکان ارزشمندی برای تعاملات اجتماعی همسایگان با یکدیگر فراهم کنند و بدین ترتیب به ایجاد حس حقیقی همسایگی کمک فراوانی نمایند. متأسفانه در کشورمان، نقش سنتی این مراکز به شدت کم‌رنگ شده است و نیازمند توجه بیشتری از سوی دولت و سازمانهای مرتبط در جهت جذب اهالی برای گذران صحیح اوقات فراغت و محلی برای تجمع می‌باشند.

یکی از فضاهای عمومی مهمی که در گذشته نقش بسیار پررنگی را در جهت ایجاد ارتباط بین شهروندان ایفا می‌نمودند: مسجدها و تکایا بودند که علاوه بر نقش مهم خود در ایام عزاداری و اعیاد، مکانی برای تجمع افراد محلی جهت رفع و حل مشکلات و اختلافات با یکدیگر، مکان آموزشهای عمومی بودند و به هنگام بروز مشکلی در سطح محله، همیشه از اولین نهادهای اجتماعی برای رفع مشکل محسوب می‌شدند.

با توسعه مراکز فرهنگی و آموزشی جدید، نقش و اهمیت مساجد و مراکز مذهبی در ارتباطات اجتماعی طی چند دهه گذشته رو به افول نهاده و به جز در هنگام مراسم مذهبی، استفاده چندانی از این مکانهای بالقوه اجتماعی به عمل نمی‌آید. شایسته است با تنوع بخشیدن به فضاهای ساختمانی و جذاب نمودن این فضاها بخصوص برای اقشار جوان زمینه حضور بیشتر شهروندان در این مکانها فراهم آید.

## ۱۱. نتیجه‌گیری

فضاهای عمومی شهری از عناصر مهم یک شهر هستند که از گذشته در سکونت‌گاه‌های شهری به عنوان عرصه ارتباطات اجتماعی مورد توجه بوده است [۱۳]. به طور کلی شهروندان نیازمند فضاهایی هستند که به نیازهای اجتماعی خود پاسخ دهند، ببینند و دیده شوند. امروزه توجه چندانی به این فضاهای عمومی نمی‌شود و در ایجاد فضاهای و یا سامان‌دهی آنها، بیشتر ابعاد کالبدی مد نظر قرار می‌گیرد.

استفاده بیشتر از فضاهای عمومی، به هویت شهری منجر می‌شود. محیطی می‌سازد که ساکنان آن نسبت به شهر خود احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند. ایجاد فضاهای عمومی به منظور استفاده شهروندان، برای تجربه‌های فرهنگی و

اجتماعی، ضرورتی است که باید در کانون توجه متولیان امور شهری قرار گیرد، چرا که با خلق فضاهای عمومی مبتنی بر حیات مدنی، جامعه شهری هویت می یابد، امکان انباشت تجربه‌های به یاد ماندنی و خاطره‌های فارغ از بعد مکان فراهم می آید و فضاهای عمومی به محیط‌هایی فرهنگی و شکل دهنده به رفتارهای اجتماعی و هنجارهای عمومی تبدیل می شوند. محیط‌هایی که در آنها نیازها و تمایلات اساسی شهروندان در نظر گرفته شود، شهروندان به عنوان بازیگران اجتماعی، نقش خود را در تولید و بازتولید فضای اجتماعی شهری و به تبع آن حیات مدنی ایفا می کنند.

برای بهبود وضعیت فضاهای عمومی در ایران، تجدیدنظر اساسی در دیدگاه‌ها و افکار متولیان الزامی است. متأسفانه برخورد با مسایل شهری در کشور ما، بیشتر انتزاعی است. شهر محل زندگی مجموعه‌ای از آدم‌ها با نیازها، علایق و سلیق مختلف است، در حالی که درک و لمس مردم از فضاهای شهری باید مورد توجه قرار گیرد. شناخت نیازهای روحی و روانی افراد جامعه و انعکاس آن در طرح‌های شهری، احترام به خاطرات جمعی و فردی انسانی در فضاها و معنابخشی به هر یک از فضاهای شهری در سرلوحه برنامه طراحان و مدیران شهری قرار گیرد. هر چند که ارزش‌های گذشته را دوباره به فضاهای شهری باز نمی توان باز گرداند. ولی خلق فضاهایی که بتواند هویت گذشته ما را در قالب میراث فرهنگی و اجتماعی به نسل‌های بعدی منتقل کند، غنای فرهنگ شهرنشینی ما را به نمایش خواهد گذاشت.

افت کیفیت فضاهای شهری در اثر قطع رابطه منطقی بین شهروندان، طراحان و مدیران از خویشتن خویش تعبیر نمود. به همین دلیل نوعی بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به فضاهای شهری ایجاد شده و شهروندان نیز برای اصلاح این فضاها، پیشنهادات اصلاحی ارائه نمی‌دهند. تغییر چنین وضعیتی را می‌توان منوط به حل سه مساله مهم و اساسی در کشور دانست؛ زمین، تنوع کاربری‌ها در فضاهای شهری و سامان‌دهی پهنه‌های مرکزی شهر، مناطق، نواحی و محلات مواردی هستند که برای رهایی از آشفته‌گی و فرسودگی فضاهای فعلی، بایستی دغدغه مهم کارشناسان و طراحان شهری قرار گیرند.

## منابع و مآخذ

1. <http://www.daneshju.ir/forum/f618/t57995.html>
2. Urban Architecture-"The Background of Public Buildings & Spaces in the world", 2008.
3. مدنی پور، علی؛ ظهور یک کلان شهر، ترجمه حمید، آزون، تهران، پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۱.
4. رفیعیان، مجتبی، سیفیایی، مهسا؛ فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، هنرهای زیبا شماره ۲۳، ۱۳۸۴.
5. Jan Gehl and Lars Gemzøe, (The Danish Architectural) Press, Copenhagen, 2000.
6. مختاری، اسکندر؛ پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری ایران: <http://www.uan.ir/>، ۱۳۸۴.
7. سادات نیا، سعید؛ پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری ایران: <http://www.uan.ir>، ۱۳۸۷.
8. عظیمی، نورالدین؛ بررسی عملکرد میدان در شهرهای امروز ایران، مطالعه موردی شهر رشت، گزارش پژوهشی دانشگاه گیلان، دانشکده معماری و هنر، ۱۳۸۴.
9. لینچ، کوین، ۱۳۷۶، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه حسین بحرینی، دانشگاه تهران ۱۳۷۶.
10. پور هم‌رنگ، نسرين؛ بررسی رفتارهای اجتماعی افراد در محیط شهری مدرن، ۱۳۸۷.
11. کاشانی جو، خشایار؛ پله‌های بیانویی، <http://kashanijou.persianblog.ir/post/7>، ۱۳۸۸.
12. Carmona, M, Public place, *Urban space*, 2003
13. Madanipour, A, *Design of urban space: an inquiry into a socio spatial process*, wiley, west Sussex, 1992.
14. Pain Rachel and Townshend, Tim; *A safer city* centre for all? Senses of 'community safety' in Newcastle upon Tyne, *Geoforum.*, 33 (1). pp. 105-119, 2001,
14. Porta, Sergio, 1999, *The community and public spaces: ecological thinking, mobility and social life in the open spaces of the city of the future*, *Futures, Volume 31, Issue 5*, June 1999, Pages 437-456, 1999.